



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران **شنبه ۵ دی ۱۴۰۴** – ۶ رجب ۱۴۴۷ **سال بیست‌وهفتم**– شماره ۷۴۸۶ – ۱۶ صفحه قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

گزارش خبرنگار «جوان» از تور نظارتی دستگاه قضا در سرزمین فراموش‌شده‌ها

۸ روایت از عدالت هوشمند تاترک فعل در خراسان جنوبی

● **حسین فصیحی** | دبیر گروه حوادث

خراسان جنوبی رانمی شود فقط با آمار شناخت؛ این استان را باید دید، شنید و لمس کرد.
بايد در جاه‌های دوطرفه و حادثه‌خیزش رانندگي کرد، پای حرف معنجنی‌هایش نشست، به زندانش رفت، در دادگاه آنلایش شاهد عدالت بود و در روستای صفر مرزی اش فهمید که وقتی مدرسه و شغل نیست، «جرم» چگونه به انتخابی ناخواسته تبدیل می‌شود.
تور نظارتی قوه قضائیه در این استان، سفری سه روزه بود به دل تناقض‌ها؛ استانی امن، اما محروم. ثروتمند اما مغفل و دستگاه قضایی که تلاش کرده فراتر از قانون، نقش یک نهاد اجتماعی را ایفا کند. | **صفحه ۱۴**

یادداشت بین‌الملل
حنیف غفاری

حمله بی‌فایده گروسی به خطوط قرمز هسته‌ای ایران

رافائل گروسی، مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، یک بار دیگر نقاب بی‌طرفی خود را رسماً کنار گذاشته و فصل جدیدی از بازی خطرناک خود را در زمین طراحی‌شده توسط واشینگتن و تل آویو آغاز کرده است. در شرایطی که منطقه غرب آسیا شاهد یکی از بی‌سابقه‌ترین تجاوزات نظامی علیه یک دولت مستقل بود، اصرار مدیر کل آژانس بر پیگیری تعهداتی که در بستر امنیتی کاملاً دگرگون‌شده، فاقد هر گونه توجیه حقوقی و منطقی است. گروسی در حالی که محاسباً و قیچانه به بازی خود در زمین واشینگتن و مستمسک حقوقی و انسانی برای این دخالت‌های سیاسی وجود ندارد. ایران پس از تحمل حملات مستقیم، توجهی حقوقی و منطقی برای همکاری با نهادی که مدیر کل آن بی‌محاسباً و قیچانه به بازی خود در زمین واشینگتن و تل آویو ادامه می‌دهد، ندارد. روشن است که مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با تکرار این سناریوی نیم‌نخواهد توانست خطوط قرمز هسته‌ای ایران را در هم بشکند. این یک حقیقت غیرقابل انکار است. | **صفحه ۱۵**

یادداشت اقتصادی
وحید عظیم‌نیا دبیر گروه اقتصادی

بازنگری در دهک‌بندی یارانه‌ای

ادامه یارانه نقدی به شکل موجود، تقریباً کارایی خود را از دست داده است و صرفاً یک رفع تکلیف برای دولت محسوب می‌شود که اگر آن را «مصیبت» نامند، حتماً بارها برای مردم فاکتور می‌کند که ببینید چه میزان یارانه پرداخت می‌کنیم اما نمی‌گوید روزی که این یارانه متولد شد، حدود ۴۵ هزار تومان معادل تقریبی ۵۸ دلار بود ولی به واسطه ناتوانی مسئولان اجرایی در دولت‌های مختلف هم اکنون به حدود یک‌سوم یک دلار آن زمان رسیده است! پس اگر قرار است کسی شمامت شود، این مسئولان اجرایی و اقتصادی هستند که ارزش پول ملی را به قیفاً برده‌اند. فارغ از این بحث طولانی که به عنوان زخم کهنه مانده است، اصلاح یا حذف روند فعلی یارانه‌های نقدی، به یک مسئله مالی محدود نمی‌شود و آثار اجتماعی خانواده‌ها تأثیر می‌گذارد. | **صفحه ۴**

یادداشت سیاسی
محسن سلگی

منطق پنهان غربی که باید افشا شود

توصیه اخیر رهبر حکیم انقلاب اسلامی مبنی بر تمرکز بر نقاط ضعف دشمن و ضرورت اتخاذ آرایش جنگی رسانه‌ای را نباید تنها یک فراخوان تاکتیکی یا واکنشی سیاسی فهم کرد. این توصیه، پیش از هر چیز، بیانگر درکی ساختاری از ماهیت قدرت در زمان اکنون است؛ زمانی که در آن سلطه محدود به زور نظامی نیست و از مسیر کنترل روایت، تولید معنا و مدیریت ادراک جمعی اعمال می‌شود. از منظر چپ نو، سخن رهبر حکیم دعوتی است به افشای تناقضات درونی نظامی که مدعی امنیت، آزادی و پیشرفت است، اما در عمل ناامنی، بی‌ثباتی و خشونت ساختاری را بازتولید کرده است. | **صفحه ۶**

تجلیل از احیاگر حوزه مشهد

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای کنگره بزرگداشت آیت‌الله سید محمدهادی میلانی:

آیت‌الله میلانی از ارکان نهضت اسلامی است

آیت‌الله سبحانی: مرحوم میلانی درد و درمان را می‌شناخت و خدمات زیادی در عرصه اجتماعی، علمی و سیاسی انجام داد

صفحه ۲

طلبه‌ای که هم درس می‌داد هم انقلاب می‌ساخت

● **سیدعبدالله متولیان** | صفحه ۲

حضور ذهن و حافظه‌ای بسیار قوی

سردبیر: فرامتن سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با دست‌اندرکاران کنگره آیت‌الله میلانی، حافظه و حضور ذهن شگفت‌انگیز ایشان بود. ذکر مقاطعی از جلسات درس ۶۰ تا ۶۵ سال پیش که تجربه شخصی ایشان بوده است، چیزی نیست که در جایی نوشته باشند که بتوان آن را حتی قبل از سخنرانی مرور کرد. سپس ذکر جزئیات دقیق از روابط نسبی و سببی مرحوم میلانی و رفتار سلوکی و سیاسی ایشان و منبری‌های خانه آن مرحوم و ارتباطات‌شان با برخی فضلا و ملاهای زمانه و رفت‌وآمدها همه به شکلی بیان می‌شود که گویی تصاویر آن دوران مقابل چشم شما قرار می‌گیرد. بخش‌هایی از متن سخنان را اگر مرور کنیم م‌تواند آن است و چه‌سا برای فهم برخی از این ارتباطات و جزئیات ما باید وقت بیشتری روی این متن بگذاریم!

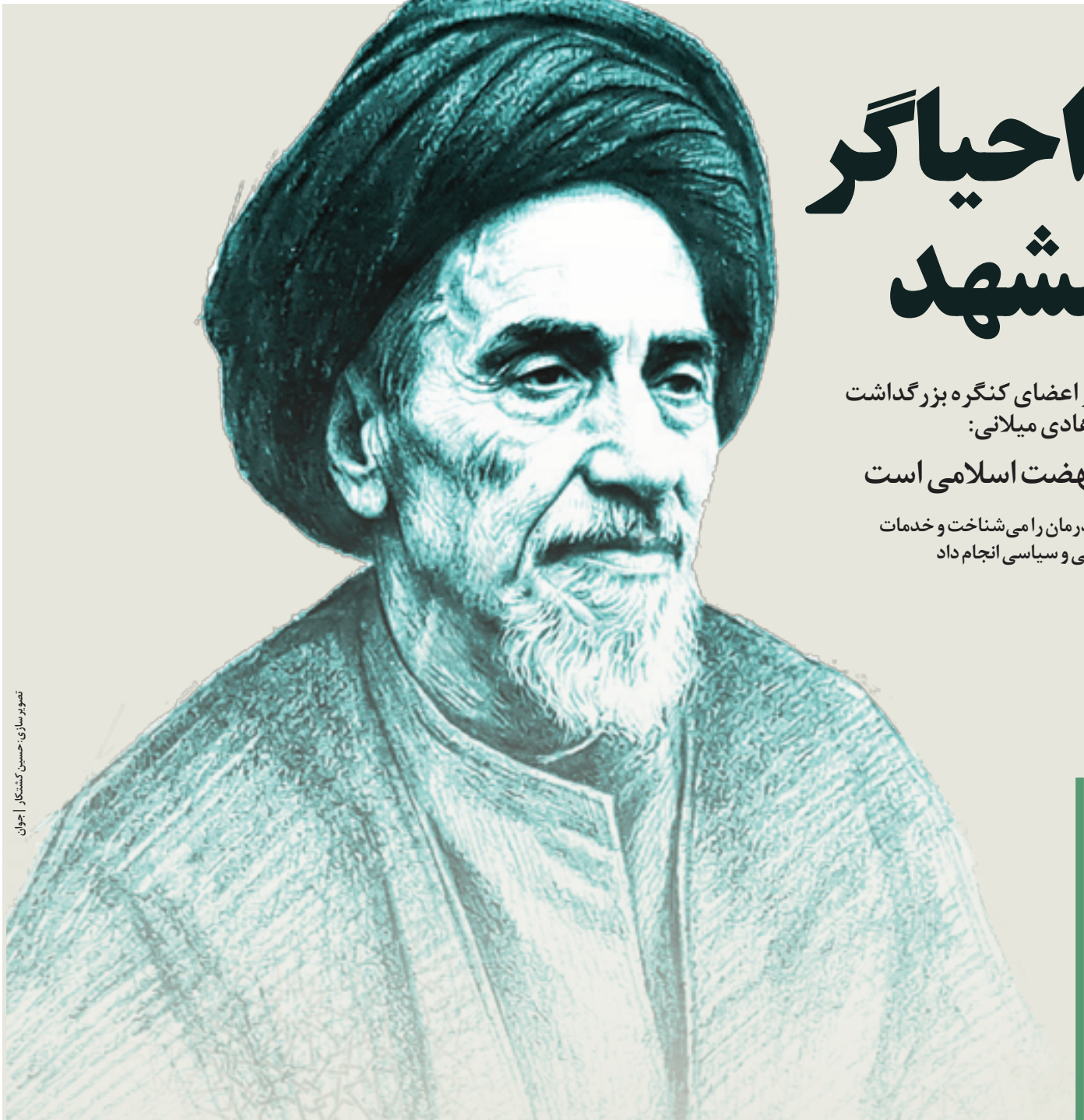
«ایشان با والد ما در تبریز هم‌کتب بودند. ایشان متولد نجفند و پدر ایشان داماد مرحوم شیخ محمدحسن مامقانی معروف، محشی مکاسب و آن شخصیت برجسته و مرجع تقلید بزرگ زمان خودش که ظاهراً متوفای ۱۳۳۱ یا ۱۳۳۲ بوده‌اند. لذا ایشان متولد نجفند، منتها پدر ایشان می‌آیند تبریز و یکی دو سالی در تبریز بودند؛ بعد دوباره برمی‌گردند به نجف. در آن یکی دو سال، این پسر که مکتب می‌رفته، با مرحوم والد ما و یکی دیگر از علمای تبریز، ایمنی [مرحوم اسیدابراهیم دروازهای – که پسر ایشان آسیدمهدی دروازهای در تهران بوده شاید بعضی از آقایان بشناسند- این سه نفر، هم‌مکتب بودند. ضمناً این مورد توجه باشد که ایشان نوهی شیخ محمدحسن مامقانی و داماد مامقانی صاحب رجال هستند؛ داماد مرحوم آشیخ عبدالله مامقانی هستند. در درس هم گاهی راجع به دای‌شان می‌گفتند که مرحوم آقادیی – به این تعبیر – در کتاب رجال‌شان این‌جور گفتند... عمدهی استفاده‌ی علمی ایشان از مرحوم آقای انابینی و مرحوم آشیخ محمدحسین اصفهانی بود که ایشان آاز آنها این‌جور [آسم می‌آوردند: میرزای استاد، حاج شیخ استاد؛ به این تعبیر از آنها در درس یاد می‌کردند؛ لکن سلوک فکری فقهی ایشان به مرحوم آقای نائینی نزدیک‌تر بود... یک دوره‌ای در زمان مرحوم آقازاده و مرحوم حاج آقا حسین، دوره‌ی اوج و اعتلای داشته‌بعد از شهادت آنها تاسال‌ها از این حوزه رکود داشت، یعنی در فقه و اصول، یک درسی که بتواند طلبه‌ی مشتاق را در حوزه‌ی مشهد پابند کند و نگه دارد؛ نبود؛ ایشان که آمدند احیا کردند حوزه را... شب‌ها درس فقه را شروع کردند و در مدرسه‌ی مسجد حاج ملا هاشم، آدرس [اجاره را شروع کردند... مرحوم حاج ملا آقاچان ملای می‌آمد مشهد؛ با ایشان ارتباط داشتند، منبر می‌رفت؛ من دیده بودم که در منزل آقای میلانی، مرحوم حاج ملا آقاچان حاضر می‌رفت. با بعضی دیگر، مثل [آن آقای نقیبی معروف به «هور» در مشهد، با ایشان ارتباطاتی داشتند... با مرحوم مهندس بازرگان و دکتر سبحانی و مانند این‌ها ایشان مرتبط بود. من شاید دو بار یا سه بار می‌خواستم از مشهد بروم تهران، رفتم خدمت ایشان مثلاً برای خداحافظی، ایشان گفتند که شما تهران که رفتید، زندان برای دیدار آقای مهندس بازرگان هم می‌روید...! ایشان یک نامه‌ای به امام نوشتند نامه‌ی فوق‌العاده‌ای است؛ نامه‌ی بسیار قوی و متین در حمایت از امام و تأیث از تبعید ایشان که این جمله‌ها را از آن نامه مادم هست: «الشکوت آخو الرضا و من لم یکن معنَا کان غلیبًا. این عبارات را در آن آورده بودند. از کلمات امیرالمؤمنین در وقتی که جناب ابودر تبعید می‌شدند آورده بودند.»



و با استقرار آیت‌الله میلانی در شهر مشهد، (در پی دعوت‌های مکرر علمای این شهر در سفر پیشین) این کانون علمی جانی تازه یافت. تدریس او که از آورده‌های علمی آیتین میرزا حسین نائینی و شیخ محمدحسین اصفهانی (کمپانی) قوام یافته بود،

رفته رفته توجه استعدادهای جوان و سرشار این حوزه را جلب کرد و آنان را مجذوب خویش ساخت. نگارنده مکرراً از برخی شاگردان آن بزرگ شنیده است، که نحوه مواجهه او با مقولات پیچیده فقهی و قدرتش در حل و فصل غوامض آنان، طلاب را به وجد و اعجاب می‌آورد؛ نیکبختانه بخش‌هایی از دروس فقهی او ضبط و در سالیان اخیر ارتقای کیفیت یافته و آئینه‌ای گویا از این توان شگرف علمی است. از نسوی دیگر تلاش ارجمند آیت‌الله میلانی در تأسیس مدارسی با برنامه‌های منظم و بدیع نیز، در اصلاح حوزه و تسوق یافتن آن به تربیتی نوین برای طلاب خراسان، پس مؤثر و موفق افتاد و به مرور آثار خویش را نمایان ساخت.

دو: آیت‌الله میلانی تربیت‌یافته علامه نائینی و فضای حوزه نجف در دوره مشروطیت بود و از این روی، توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی و تصمیم مراجع و علمای بلاد مبنی بر مهاجرت به دوره نهضت ملی – که در کربلا می‌زیست – نسبت به وقایع آن بی‌تفاوتی نگذرد و چه در دوران نهضت اسلامی، به عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر آن به میدان آمد. پس از دستگیری امام خمینی و تصمیم مراجع و علمای بلاد مبنی بر مهاجرت به تهران، ساواک هواپیمای حامل وی را به مشهد بازگرداند؛ او بلافاصله از راه زمینی خود را به تهران رساند و با حضور پرتائیرش، کانونی شاخص از معترضان را در این شهر ایجاد نمود و با امضای اعلامیه تصدیق بر جمعیت امام، رژیم پهلوی را در تنگنا و بن‌بست قرار داد؛ وی تا آزادی رهبر نهضت اسلامی، به حضور اعتراض خویش در تهران تداوم بخشید و پس از دیدار و تبادل نظر با ایشان در محل حضر و البته با فشارهای فزاینده ساواک، به مشهد بازگشت. حدود یک سال بعد و پس از تبعید امام خمینی به ترکیه، یکی از قاطع‌ترین مواضع را اتخاذ کرد و در آغاز یک دوره اختناق و خاموشی نسبی فضای سیاسی، به مبارزان انگیز و امید مضاعف برخشد. در سالیان بعد، اگر چه کشش‌های نیروهای مبارز در اقتدار گوناگون و نیز کردار برخی



اطرافیان، بر رفتار مبارزاتی آیت‌الله بی‌تأثیر نبود؛ اما به شهادت اسناد، وی در همان دوره نیز آرمان‌های جهادی و سیاسی خود را به یوته فراموشی نسپرد و در حد توان، در طریق تحقق آن گام می‌زد.

سه: پرسش صریح در این مقطع اما، این است که آیت‌الله میلانی به چه کار امروز جامعه‌سا می‌آید؟ با اندک نطری بر آرایش دشمنان آندیشه و عمل اسلامی در دنیای اکنون، یافتن پاسخ دشوار نیست. تمرکز حمله‌آوران بر گزاره‌های اعتقادی و عملی دین و میدان‌دهی به فرق ضاله، دور ساختن جامعه از حدود و مرزهای شرعی و اعتبار‌زدایی از آنها، ناامید و سرخورده ساختن کرد که در کمتر دوره‌ای از تاریخ اسلام و ایران، دشمنان آن دو، اینچنین به هدم آنها کمر بسته‌اند و از سوی دیگر، تجربه‌اندوزی از منش سلف صالح در میادینی شبیه بدان، تا این حد ضرورت و اهمیت مضاعف یافته است.

چهار: رویداد باشکوهی است که نیم قرن پس از رحلت آن فقیه فرزانه، شاگرد نامدارش که امروزه در جایگاه سکندار مواجهه با زورمداری جهانی قرار دارد، در شرایطی که عده‌ای آن را جنگی می‌خوانند، با طمأنینه، متانت و وقاری که به استناد شباهت می‌تُرد، نتخیان حوزوی را به الگوی آیت‌الله العظمی میلانی ارجاع می‌دهد. او در ۱۷ سالگی به درس خارج فقه استاد بار یافت و به دلیل پیوندهای پیشین وی با پدر، با او مانوس گشت. چندی بعد مهاجرتش به قم پیش آمد و در پی سالیانی، دوباره به مشهد و درس آموزگار دیرین خویش بازگشت. از آن پس تا پایان حیات آیت‌الله، با وی ارتباطی وثیق داشت و در تکاپوی تبلیغ دینی و مبارزات سیاسی، از فشاره او بهره‌مند بود. بی‌تردید بخشی از برخورداری علمی، اخلاقی و عرفانی رهبر معظم انقلاب اسلامی، متأثر از این مصاحبت شکل گرفته است، توانی که امروز با مدد گرفتن از آن، بدخواهان ایران را پشت در نقل کرده و در کلاس‌های بازگویی زیاد شنیدند و تقلید کرده است یا اینکه واقعا دیدگاه‌های بسیار متنوع فلسفه‌ها در مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده است. در رمانتیسیت‌ها و اگرزیستانسالیست‌ها، هنر، بیان تجربی درونی هنرمند است، یعنی اصالت فردی دارد و هنر مند است که هنر را معنا می‌کند نه جامعه. در این دیدگاه هنر می‌تواند از جامعه جلودار یا عقب‌تر یا مستقل از جامعه باشد. در پراگماتیست‌ها نیز که هنر آوانگاردر نامی پذیرند و می‌گویند هنر اگر از جریان تجربی‌زیسته جدا شود، بی‌ربط و ناکارآمد می‌شود، نوعی از جامعه و تجربه‌ی زیسته دارند که با این تعریف‌های ساختگی سلب‌رئی‌های ایرانی یکی نیست. جامعه ایران نیز چنین جامعه‌ای که اینان معرفی می‌کنند نیست. نه فقط دکتر سروش بلکه بسیاری از جامعه‌شناسان و متفکران ایرانی، اسلام و تشیع را دین و سبک زندگی قاطبه مردم ایران می‌دانند. پس هنر اگر نخواهد پیوسته با جامعه ایران باشد و از آن جدا نباشد، باید نسیتی هم با تدین مردم داشته باشد. حتی کسانی که در جامعه هنری ایران سال‌ها پیش بحث «هنر برای هنر» را مطرح کردند نوعی نگاه فرمالیستی به هنر داشتند، هنر را تابع قواعد درونی خود هنر می‌دانند نه تابع جامعه. پس در این نگاه هنر می‌تواند بی‌ربط به جامعه باشد، اما از رشمندان باشد. به هر حال معلوم نیست این نگاه که برخی برای آن غش‌وضعیت رفته‌اند از کدام دیدگاه فلسفی گرفته شده است. بیشتر به دیدگاه مارکسیست‌ها می‌خورد و کسانی که هنر را ابزار نقد اجتماع می‌دانند البته شاکله و خاصیت شبکه‌های اجتماعی تقلید گلووار در آن است، یعنی کسی حرفی می‌زند و بقیه ناگهان دنبال آن حرف می‌افتند و با کمی دستکاری همان حرف‌ها را به نام خود منتشر می‌کنند!

جامعه ما در حد قابل تأملی گرفتار آفت سلب‌ریتی‌ها شده است. اصالت جامعه این گونه خدشه‌دار می‌شود. نهادهای سلب‌ریتی‌ساز باید به خود بیایند. آنها کمکی به مردم نمی‌کنند و آسیب‌های اجتماعی و روانی را بیشتر می‌کنند.

در خارج از ایران شورای رهبری ر تشکیل دادند، دکتر عبدالکریم سروش، فیلسوف ایرانی منتقد حکومت که مقیم امریکاست، علیه این شورای رهبری صحبت کرد و نشان می‌دهد که ترانه وقتی در فیلم برداران لیبیا به صورت پدر خودش سبلی زد، نقش بازی نمی‌کرده است و خودش بوده است»؛ خب باید گفت خد صابر بدهد به اطرافیان این آدم‌ها با این اظهارات.

دیگری گفته‌است این جمله ترانه جالب بود که «هنر نمی‌تونه از جامعه عقب‌تر باشه. اگر آوانگاردر هم نیستی، دست‌کم هم‌تراز جامعه باش»؛ این ادعا بر یک فرض استوار است که هنر در نسبت با جامعه تعریف می‌شود و باید دست‌کم به‌سطح آگاهی، تجربه و تحول اجتماعی باشد. نمی‌دانم گوینده این جمله را از قول فرد دیگری نقل کرده و در کلاس‌های بازگویی زیاد شنیدند و تقلید کرده است یا اینکه واقعا دیدگاه‌های بسیار متنوع فلسفه‌ها در مطالعه کرده و به این نتیجه رسیده است. در رمانتیسیت‌ها و اگرزیستانسالیست‌ها، هنر، بیان تجربی درونی هنرمند است، یعنی اصالت فردی دارد و هنر مند است که هنر را معنا می‌کند نه جامعه. در این دیدگاه هنر می‌تواند از جامعه جلودار یا عقب‌تر یا مستقل از جامعه باشد. در پراگماتیست‌ها نیز که هنر آوانگاردر نامی پذیرند و می‌گویند هنر اگر از جریان تجربی‌زیسته جدا شود، بی‌ربط و ناکارآمد می‌شود، نوعی از جامعه و تجربه‌ی زیسته دارند که با این تعریف‌های ساختگی سلب‌رئی‌های ایرانی یکی نیست. جامعه ایران نیز چنین جامعه‌ای که اینان معرفی می‌کنند نیست. نه فقط دکتر سروش بلکه بسیاری از جامعه‌شناسان و متفکران ایرانی، اسلام و تشیع را دین و سبک زندگی قاطبه مردم ایران می‌دانند. پس هنر اگر نخواهد پیوسته با جامعه ایران باشد و از آن جدا نباشد، باید نسیتی هم با تدین مردم داشته باشد. حتی کسانی که در جامعه هنری ایران سال‌ها پیش بحث «هنر برای هنر» را مطرح کردند نوعی نگاه فرمالیستی به هنر داشتند، هنر را تابع قواعد درونی خود هنر می‌دانند نه تابع جامعه. پس در این نگاه هنر می‌تواند بی‌ربط به جامعه باشد، اما از رشمندان باشد. به هر حال معلوم نیست این نگاه که برخی برای آن غش‌وضعیت رفته‌اند از کدام دیدگاه فلسفی گرفته شده است. بیشتر به دیدگاه مارکسیست‌ها می‌خورد و کسانی که هنر را ابزار نقد اجتماع می‌دانند البته شاکله و خاصیت شبکه‌های اجتماعی تقلید گلووار در آن است، یعنی کسی حرفی می‌زند و بقیه ناگهان دنبال آن حرف می‌افتند و با کمی دستکاری همان حرف‌ها را به نام خود منتشر می‌کنند!

جامعه ما در حد قابل تأملی گرفتار آفت سلب‌ریتی‌ها شده است. اصالت جامعه این گونه خدشه‌دار می‌شود. نهادهای سلب‌ریتی‌ساز باید به خود بیایند. آنها کمکی به مردم نمی‌کنند و آسیب‌های اجتماعی و روانی را بیشتر می‌کنند.

واکنش‌های ناموزون

به یک «ترانه» رانتی

● **غلامرضا صدیقان** | سردبیر

یک خاتم بازیگر درباره یک خاتم بازیگر دیگر مستندی ساخته به اسم «ترانه» و بی‌بی‌سی فارسی پخش کرده است. درباره اظهارنظرهای زیادی که پیرامون این مستند شده است، نقد و تحلیلی دارم. پس آنچه می‌نویسم درباره خود آن مستند و درباره خود آن خاتم‌ها بلاشخصه و بلاصالح نیست. و درباره حجاب و آزادی هم نیست. فقط درباره واکنش‌ها به آن است که از «شوک» تا «ذوق» تا «هوق» شده است.»
[با آن اشک ریخته‌اند، و از این گونه واکنش‌هاست.

مطابق گزارش بی‌بی‌سی در این مستند آن خانم که بی حجاب است و می‌گوید نخستین‌بار است که این گونه بی حجاب ظاهر می‌شود، مدعی شده «دیگر در هیچ شرایطی باحجاب بازی نخواهد کرد و از کنار گذاشتن بازیگری احساس بدی ندارد». و بعد ادعا شده که مستند در شبکه‌های اجتماعی ۲۵ میلیون بار دیده شده است و این را دلیل موفقیت و پذیرش آن و بیانگر «نفوذ این مصاحبه در جامعه ایران و گرودهای مختلف» فرض کرده‌اند.

استدلال ساده‌ای علیه این ادعاها وجود دارد: هر «ساختار شکنی» آن هم اگر از طرف کسانی باشد که سال‌ها داخل چار چوب‌های قانونی کار کرده و با تلوپزیون و سینما و شبکه‌نمایش خانگی قانونی به جامعه معرفی شده‌اند، معمولاً دیده‌ی می‌شود و تعبیرر انگیز خواهد شد. چون همان گونه که آن «ساختار» رانتی بوده، این «ساختار شکنی» نیز در امتداد همان رانت قرار می‌گیرد و «رانتی» است. هرچه‌قدر هم این ساختار شکنی بیشتر باشد، بیشتر دیده‌ی می‌شود. پس کسانی که می‌خواهند بگویند این مستند به خاطر «حرف»‌هایی که در آن زده شده، دیده شده، باید بتوانند مقایسه کنند که اگر همین حرف‌ها فقط به شکل صوتی با حجاب عرفی منتشر می‌شد، همین قدر دیده می‌شد یا نه. اگر امکان مقایسه ندارند، نمی‌توانند حکمی قطعی بدهند، مگر این که با موضوع دیگری که دقیقاً شبیه به همین بوده باشد، مقایسه کنند.

بامقایسه می‌توان ادعا کرد که در همین مستند اگر حجاب از این هم بدتر بود، بسیار بیشتر دیده می‌شد. این یعنی «پارازاشدن» نه آزاداشدن و از آبدودن و زن بودن. به یاد بیاورید در آشوب سال ۱۴۰۱ که چند تن از بازیگران سینما و بازیکنان فوتبال

نفوذ ایران تا قلب «کریا»

■ منابع رژیم صهیونیستی از بازداشت فردی خبر دادند که نه تنها از خانه نفتالی بنت فیلمبرداری کرده بلکه در قالب جاسوس در وزارت جنگ این رژیم در کریا کار می‌کرد

هت‌تریک پرسپولیس در یک – صفر

● **فریدون حسن** | دبیر گروه ورزشی

سپاهان عصر امروز در حالی مقابل چادرملو صف آرایی می‌کند که سرخ‌های تهران مثل چند هفته قبل یک روز زود تر صدر جدول را تسخیر کرده‌اند با این تفاوت که زردهای اصفهان این هفته، کاری بسیار سخت مقابل اردکانی‌های بسوم جدول دارند.

امروز بیکان و خیبر خرم‌آباد به مصاف هم می‌روند و حالا باید دید شاگردان مهدی رحمتی در برابر مردان سعید ذققی چه نتیجه‌ای را کسب می‌کنند. آخرین بازی این هفته را هم عصر فردا استقلال و گل‌گهر بر گزار می‌کنند. اما عصر دیروز پرسپولیس مثل دو بازی قبل یک– صفر برنده شد. این تیم در یک بازی سخت و سنگین با تک گل سروش رفیعی مقابل میزبان خود مس رفسنجان پیروز شد تا با ۲۸ امتیاز به صدر جدول رده‌بندی برود.